

## ۵. ویژگی فکری متن زیر را بنویسید.

بدان که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست. سالک باید که اول از علم شریعت آن چه ما لابد است بیاموزد و یاد گیرد آنگاه از عمل طریقت آنچه ما لابد است به جای آورد تا از انوار حقیقت به قدر سعی و کوشش وی روی نماید. (عزیزالدین بن محمد نسفی)

نویسنده در این متن ضمن برشمردن مراحل که سالک باید به ترتیب طی نماید اولین گام را آموختن شریعت می داند سپس به جای آوردن طریقت، از نظر اوانسان سالک از گفتار به مرحله عمل و در نهایت به حقیقت می رسد هم چنین معتقد است میزان سعی و تلاش انسان در این مسیر با تابیدن انوار حقیقت در دل انسان ارتباط مستقیم دارد.

۶ پایه های آوایی را در بیت دوم شعر فردوسی (خود آزمایی ۳) مشخص کنید.

اگر جنگ خواهی و خون ریختن      بر این گونه سختی بر آویختن

اگر جن آگ خا هی / ی خون ری / خ تن      ب رین گوا ن سخ تی / ب را وی / خ تن

## درس پنجم پایه های ادبی همسان ۱

بعد از این که پایه های آوایی بیت را مشخص کردیم (بیت را تقطیع کردیم) و خوشه های هجایی را جدا کردیم در می یابیم که مصراع های بیت نظم خاصی پیدا می کنند به نحوی که به شکل تکراری و همسان پایه یا رکنی تکرار می شود. این تکرار به کمک آهنگ و موسیقی بیت قابل تشخیص است.

هر کدام از این پایه ها با تکرار قالبی حاصل می شود که برخی از این قالب ها که به اوزان شعری معروف اند، عبارتند از:

فعولن: \_\_ \_ u / مستفعلن: \_\_ \_ u / مفاعیلن: \_\_ \_ u / فاعلاتن: \_\_ \_ uu / فاعلاتن: \_\_ \_ u / مفتعلن: \_\_ uu

چند مثال برای پایه های آوایی همسان:

تو خورشیدی و یا زهره و یا ماهی نمی دانم      وزین سرگشته مجنون چه می خواهی نمی دانم. (مولوی غزلیات شمس)

پایه های آوایی:

ت خ ر ش ی د ی / و یا ز ه ر ه / و یا م ا ه ی / ن می د ا ن م      و ز ی ن س ر گ ش ت ا ت ی م ج ن و ن / چ می خ ا ه ی / ن می د ا ن م

وزن واژه (اسم رکن): مفاعیلن--مفاعیلن--مفاعیلن--مفاعیلن

خوشه های هجایی:      - - - U - - - U - - - U - - - U

شبی دارم سیاه از صبح نومید      درین شب رو سپیدم کن چو خورشید (از خسرو شیرین نظامی)

پایه های آوایی:

ش بی د ا ر م / س یا ه ز ص ب / ح نو مید      د ر ی ن ش ب ر و / س پی د م ک ن / چ خ ر ش ی د

وزن واژه: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

خوشه های هجایی:      - - - U / - - - U / - - - U

در طریق عشق هر کس راه خود دارد ولیکن در طریقت راه ما صد جلوه دشوار دارد (نائینی)

پایه های آوایی :

در طریقی / عشق هر کس / راه خدا / رد ولیکن / در طریقت / راه ما صد / جلوی دشوار دارد

وزن واژه: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

خوشه های هجایی: - U - / - - U - / - - U - / - - U -

هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من

پایه های آوایی :

هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من / را ر من

وزن واژه: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

خوشه های هجایی: - U - / - - U - / - - U -

## خودارزیابی

۱- برای هر یک از موارد زیر وزن واژه ی مناسب بنویسید و خوشه ی هجایی آن را مشخص کنید: (مانند نمونه)

نمونه	وزن واژه	خوشه ی هجایی
کبوتر	فعولن	__ U
می نوشتم	فاعلاتن	- - U -
دریا دلان	مستفعلن	- U - -
نمی دانم	مفاعیلن	- - - U
دری بگشا	مفاعیلن	__ _ U
بامدادی	فاعلاتن	- - U -
با ادبان	مفتعلن	- U U -
کجایی	فعولن	- - U

۲- بیت های زیر را متناسب با پایه های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه ی هر یک را در خانه ها جای دهید.

الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود / به هم کردند و عشقش نام کردند / عراقی

پایه های آوایی:

بِ گیتی هر کجا درد دلی بود / به هم کردند و عشقش نام کردند / ام کردند

وزن واژه: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعولن)

(ب) چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مستت را  
 که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی گیرد حافظ  
 پایه های آوایی:

چِ خُشِ صِیِ دِادِ لَمِ کَرِ دِیِ اِبِ نَا زَمِ چَشَمِ مَسِّ تَتِ رَا  
 کِ کَسِ آهُوِ اِیِ وَحِ شِیِ رَا اَزِیْنِ خُشِ تَرَنِ مِیِ گِیِ رَدِ  
 وزن واژه: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(پ) تا نگردي بی خبر از جسم و جان  
 کی خبر یابی ز جانان یک زمان عطار  
 پایه های آوایی:

تَا نَ گَرِ دِیِ اِبِیِ خَ بَرِ اَزِ جَسْمِ مُ جَانِ اِ  
 کِیِ خَ بَرِ یَا اِبِیِ زِ جَانَانِ اِ یَکِ زَمَانِ  
 وزن واژه: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳- بیت های زیر را متناسب با پایه های آوایی تفکیک کنید، سپس خوشه های هجایی هر یک را در خانه ها قرار دهید .

(الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان  
 چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان سعدی  
 پایه های آوایی :

چِ غَمِ دِیِ وَ اِ لِرِ اُمِّ مَتِ رَا اَکَلِ دَا رَدِ چُنْ اَتُ پُشِ تِیِ بَانِ  
 چِ بَا کَرِ مَوْ اِجِ نِجِ رَانِ رَا اِکِ بَا شَدِ نَوَاحِ کَشِ تِیِ بَانِ اِ  
 خوشه های هجایی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست  
 دل افسرده غیر از آب و گل نیست وحشی بافقی  
 پایه های آوایی:

هَ رَانَ دَلِ رَا اِکِ سَوِ زِیِ نِیِ اَسْتِ دَلِ نِیَسْتِ  
 دَلِ اَفِ سَرَا دِ غِیِ رَزِ اَبِ گَلِ نِیَسْتِ  
 خوشه های هجایی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعولن)

(پ) سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی  
 دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی حافظ  
 پایه های آوایی:

سِیْ نِ مَالَا مَالِ لِ دَرْدِ اَسْتِ اِیِ دَرِیغَا مَرْهَمِیِ  
 دَلِ زِ تَنْ هَائِیِ بَ جَانِ اَمَدُ خُدَا رَا اِ هَمْدِیِ  
 خوشه های هجایی: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(ت) ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد  
 به سان فاخته کو کو همی زد فدایی مازندرانی  
 پایه های آوایی:

زِ حَسْرَتِ بَرِ سَرِ وَ بَرِ رُوِ هَمِیِ زَدِ  
 بَ سَانِ فَاخْتَهِ کُو کُو هَمِیِ زَدِ  
 خوشه های هجایی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعولن)

۴- بیت های زیر را متناسب با پایه های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و خوشه های هجایی هر یک را در خانه ها قرار دهید .

الف) سحر گه بلبلی آواز می کرد      همی نالید و با گل راز می کرد      سلمان ساوجی

پایه های آوایی:

سَ حَرَّ گَه بُلْ اِبْ لَیْ آواز می کرد      هَ می نالی اذْ با گل راز می کرد

وزن واژه: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (فعولن)

خوشه های هجایی: U / - - - U / - - - U

ب) ما به غم خو کرده ایم ای دوست ما را غم فرست      تحفه ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست      خاقانی

پایه های آوایی:

ما بَ غمِ خُوا کَر دِ ای مَلِ / دِو سَت ما را / غَم فَرِ سَت      تُح فِ ای کَز / غَم فَرِ سَتِ / نَز دِ ما هَر / دَم فَلَ رَسَت

وزن واژه: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

خوشه های هجایی: U - / - - U - / - - U - / - - U -

پ) خوشا از نی خوشا از سر سرودن      خوشا نی نامه ای دیگر سرودن      قیصر امین پور

پایه های آوایی:

خُ شَا از نی / خُو شَا از سَر سُرُو دَن      خُ شَا نی نَا / مِ ای دِی گَر / سُرُو دَن

وزن واژه: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (فعولن)

خوشه های هجایی: U / - - - U / - - - U

ت) عزیزم کاسه ی چشمم سرایت      میون هر دو چشمم جای پایت      باباطاهر

پایه های آوایی:

عَ زِی زا کَاسِ یِ چَ شَم مَم / سَ را یَت      مِ یو نِ هَر اذْ چَ شَم مَم / جَا یِ پَا یَت

وزن واژه: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (فعولن)

خوشه های هجایی: U / - - - U / - - - U

۵- ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها پاسخ دهید:

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی      چه کنم که هست اینها گل باغ اشنایی

در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟      به امید آنکه شاید تو به چشم من در آیی

سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟      که شنیده ام ز گل ها همه بوی بی وفایی      فخرالدین عراقی

الف: ویژگی های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

در این دوره کاربرد غزل بیشتر شد این شعر نیز در قالب غزل است/ توجه به علوم ادبی از جمله بیان و بدیع

در این غزل: تشبیه (گلستان چشم) و کنایه خون فشان بودن کنایه از اشک خونین و اغراق هم وجود دارد به جای اشک می گوید خون می گریم اغراق از آرایه های بدیع معنوی است از دیگر آرایه های معنوی بدیع مثل حسن تعلیل در بیت:

در گلستان چشمم ز چه روی همیشه باز است به امید آنکه شاید که توام ز در آیی

(تشبیه یکی آرایه هایی است که در حوزه بیان آمده استاز ویژگی های سبک عراقی یکی آن است که شاعران به بیان و بدیع پرداخته اندمجاز و کنایه و تشبیه و استعاره در حوزه بیان اند که در این شعر آمده اند)

**ب: دو مورد از ویژگی های فکری ابیات را بنویسید:**

ستایش عشق-توجه به عرفان و اخلاق-فراق ودوری از معشوق-غم گرای و توجه به درون (درون گرایی) که این ویژگی ها در این غزل وجود دارد

## درس ششم: مجاز

**به این بیت توجه کنید:**

برآشفت ایران و برخاست گرد همی هرکسی کرد ساز نبرد

ایران در معنای واقعی کشوری است در جغرافیای جهان؛ اما در بیت بالا به معنای ایرانیان و سپاه ایران به کار رفته است.

**مجاز**، کاربرد واژه در معنای غیرحقیقی آن است. کاربرد این گونه کلمات در زبان روزمره؛ محاوره و گفتگوی مردم بسیار زیاد است. یک مثال از محاوره روزانه: این حوض بزرگ است. حوض معنای حقیقی دارد؛ ولی در جمله «حوض یخ زد»، از حوض معنای غیرحقیقی آب مورد نظر است.

بین معنای اصلی و معنای غیرحقیقی، **علاقه و پیوندی** برقرار است که سبب درک و دریافت معنای غیرحقیقی می شود. همچنین لازم است **قرینه‌ای** در کلام باشد تا معنای غیرحقیقی دریافت شود.

**علاقه مجاز:** پیوندی است که میان معنای اصلی و غیرحقیقی یک واژه وجود دارد.

**قرینه مجاز:** نشانه‌ای است در کلام که ذهن خواننده را از معنای حقیقی به معنای غیرحقیقی سوق می دهد.

در مثال: حوض یخ زد، (یخ زد) قرینه‌ای است که ذهن ما را از معنای حقیقی به معنای غیرحقیقی حوض یعنی آب سوق می دهد. بین حوض و آب هم پیوندی وجود دارد که همان مظلوف بودن حوض برای آب است.

یک مثال ساده دیگر: ماه؛ دشت لاله ها را روشن کرد. معنای غیرحقیقی ماه؛ نور ماه است و قرینه‌ی آن روشن کردن است. **علاقه** بین آنها وابستگی وجود نور به ماه است.

مثالی از نثر بیهقی: جهان خوردم و کارها راندم. جهان در معنای غیرحقیقی نعمت‌های جهان آمده است و قرینه آن خوردن است با رابطه و پیوند مشخصی که بین جهان و نعمت‌های جهان وجود دارد.

یک مثال از شعر نظامی: به یاد روی شیرین بیت می گفت / چو آتش تیشه می زد کوه می سفت

بیت: معنای اصلی: واحد کلام شاعرانه و معنای غیراصولی: سخن شاعرانه.

در بیت زیر سه واژه در معنای غیرحقیقی به کار رفته است:

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر